

تهیه و تنظیم  
محسن دهقان دبیر عربی ناحیه ۲ یزد

۰۹۲۲۳۵۷۶۰۵۳



الدَّرْسُ الثَّلَاثُ  
درس سوم



قِصَّةُ الْأَخَوَيْنِ  
داستان دو برادر



## الدَّرْسُ الثَّلَاثُ

المُعْجَد (۲۴ کلمه)

با کلمه أَخْوَان اشتباه نشود. این کلمه مثنی می باشد

خشمگین شد (مضارع: يَعْضَبُ)	غَضِبَ:	کرایه، مُزد	أَجْرَةٌ:
خشمگین <b>اسم</b>	غَضْبَان:	یاران، برادران «مفرد: أَخ»	إِخْوَان:
بُرندۀ پیوند خویشان	قَاتِعُ الرَّحِمِ:	معدرت خواست (مضارع: يَعْتَدِرُ)	إِعْتَدَرَ:
بوسید (مضارع: يُقَبِّلُ)	قَبَّلَ:	ناتوان ترین	أَعْجَزَ:
تقسیم کرد (مضارع: يُقَسِّمُ)	قَسَّمَ:	<b>جمع مکسر</b> پُل «جمع: جُسُور»	جِسْر:
آشکار کرد (مضارع: يَكْشِفُ)	كَشَفَ:	پنداشت (مضارع: يَحْسَبُ)	حَسِبَ:
سوار نمی شویم «ماضی: رَكِبَ»	لَا تَرْكَبُ:	بیست و پنج هزار	خَمْسَةٌ وَ عِشْرُونَ أَلْفًا:
<b>جمع مکسر</b> انبار «جمع: مَخَازِن»	مَخْرَزِن:	لطفاً «رَجَاء: امید»	رَجَاءٌ:
سرویس بهداشتی	مَرَاغِقُ صِحِّيَّةٍ:	رانده شده	رَجِيم:
خراب	مُعْطَلٌ:	<b>فعل امر</b> روشن کن «ماضی: شَغَلَّ / مضارع: يُشَغِّلُ»	شَغَّلَ:
کولر	مُكَيِّف:	ناتوان شد (مضارع: يَعْجِزُ)	عَجَزَ:
پایین آمد (مضارع: يَنْزِلُ)	نَزَلَ:	دشمن «جمع: أَعْدَاء»	عَدُوٌّ:

**جمع مکسر**

پل دوستی

جِسْرُ الصَّدَاقَةِ

حمید و سعید دو برادر بودند. آن دو در مزرعه گندم بودند در یکی از روزها

دشمنی ای بین شان اتفاق افتاد و برادر بزرگتر حمید به برادر کوچکتر سعید خشمگین شد و به او گفت عداوةً بَيْنَهُمَا وَ غَضِبَ الْأَخُ الْأَكْبَرُ «حمید» عَلَى الْأَخِ الْأَصْغَرَ «سعید» وَ قَالَ لَهُ:



فعل امر مفرد مذکر

از مزرعه ام خارج شو

«أُخْرِجْ<sup>۱</sup> مِنْ مَزْرَعَتِي.»

و قَالَتْ زَوْجَةٌ حَمِيدٍ لِرِزْوَجَةِ سَعِيدٍ: و همسر حمید به همسر سعید گفت

فعل امر مفرد مؤنث

«أُخْرِجِي<sup>۲</sup> مِنْ بَيْتِنَا.» از خانه مان خارج شو

در صبح یکی از روزها مردی درب خانه حمید را کوبید هنگامی که حمید در را باز کرد

فِي صَبَاحِ أَحَدِ الْأَيَّامِ طَرَقَ رَجُلٌ بَابَ بَيْتِ حَمِيدٍ؛ عِنْدَمَا فَتَحَ حَمِيدٌ بَابَ الْبَيْتِ؛

فعل ماضی

شاهد نجارا؛ فَسَأَلَهُ: نجاری را دید. پس از او پرسید

فعل ماضی

«مَاذَا تَطْلُبُ مِنِّي؟» چه چیزی از من می خواهی؟

فعل مضارع

أَجَابَ النَّجَارُ: «أَبْحَثُ عَنْ عَمَلٍ؛ هَلْ عِنْدَكَ عَمَلٌ؟»

نجار جواب داد: دنبال کاری می گردم آیا کاری داری؟

۱- أُخْرِجُ: خارج شو «مذکر»

۲- أُخْرِجِي: خارج شو «مؤنث»

**پس حمید گفت: البته مشکلی دارم و راه حل آن بدست نوست**  
 قَالَ حَمِيدٌ: «بِالتَّأَكِيدِ؛ عِنْدِي مُشْكَلَةٌ وَ حَلُّهَا بِيَدِكَ.»

**نجار گفت: مشکل چیست؟**

قَالَ النَّجَّارُ: «مَا هِيَ مُشْكَلَتُكَ؟»  
**حمید جواب داد: آن خانه همسایه ام است او برادرم و دشمنم است. نگاه کن به آن رودخانه**  
 أَجَابَ حَمِيدٌ: «ذَلِكَ بَيْتٌ جَارِي؛ هُوَ أَخِي وَ عَدُوِّي؛ أَنْظِرْ إِلَى ذَلِكَ النَّهْرِ؛ هُوَ  
**او مزرعه را به وسیله آن رود به دو نصف تقسیم کرد، او رود را حفر کرد زیرا او بر من خشمگین است**  
 قَسَمَ الْمَزْرَعَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ بِذَلِكَ النَّهْرِ؛ إِنَّهُ حَفَرَ النَّهْرَ؛ لِأَنَّهُ غَضَبَانَ عَلَيَّ.  
**چوب های زیادی در انبار دارم. لطفا دیواری چوبی بین ما بساز**  
 عِنْدِي أَخْشَابٌ كَثِيرَةٌ فِي الْمَخْرَزِ؛ رَجَاءً، اصْنَعْ جِدَارًا خَشْبِيًّا بَيْنَنَا.»

ثُمَّ قَالَ لِلنَّجَّارِ: **سپس به نجار گفت فعل امر مفرد مذکر**

«أَنَا أَذْهَبُ إِلَى السُّوقِ وَ أَرْجِعُ مَسَاءً.» **من به بازار می روم و بعد از ظهر بر می گردم**  
**وقتی که حمید بعد از ظهر به مزرعه اش بازگشت بسیار تعجب کرد. نجار دیواری ساخت**  
 عِنْدَمَا رَجَعَ حَمِيدٌ إِلَى مَزْرَعَتِهِ مَسَاءً، تَعَجَّبَ كَثِيرًا؛ أَلْتَجَّارُ مَا صَنَعَ جِدَارًا؛ بَلْ  
**بلکه پلی بر روی رود ساخت پس حمید خشمگین شد و به نجار گفت**  
 صَنَعَ جِسْرًا عَلَى النَّهْرِ؛ فَغَضِبَ حَمِيدٌ وَ قَالَ لِلنَّجَّارِ:

**چه کار کردی؟ چرا پل ساختی؟**

«مَاذَا فَعَلْتَ؟! لِمَ صَنَعْتَ جِسْرًا؟!»

**در این زمان سعید رسید و پلی را دید. پس گمان کرد که دستور به ساخت پل داده است**  
 فِي هَذَا الْوَقْتِ وَصَلَ سَعِيدٌ وَ شَاهَدَ جِسْرًا؛ فَحَسِبَ أَنْ حَمِيدًا أَمَرَ بِصَنْعِ الْجِسْرِ؛  
**پس از پل عبور کرد و شروع به گریه کرد و برادرش را بوسید و معذرت خواست**  
 فَعَبَّرَ الْجِسْرَ وَ بَدَأَ بِالْبُكَاءِ وَ قَبَّلَ أَخَاهُ وَ اعْتَذَرَ.

**حمید به سمت نجار رفت و از او تشکر کرد و گفت**  
 ذَهَبَ حَمِيدٌ إِلَى النَّجَّارِ وَ شَكَرَهُ وَ قَالَ:

**تو برای سه روز مهمان منی**

«أَنْتَ صِيفِي لِثَلَاثَةِ أَيَّامٍ.»

**نجار عذر خواهی کرد و گفت**

اعْتَذَرَ النَّجَّارُ وَ قَالَ:

**پل های زیادی باقی مانده است**

«حُسُورٌ كَثِيرَةٌ بَاقِيَةٌ؛

**جمع باید برای ساخت آن بروم**

جِسْرَ عَلَيَّ الذَّهَابُ لِصُنْعِهَا.»

**ترکیب علی + ضمیر متصل = مفهوم باید و اجبار**



**دو (نفر) خداوند به آنها نگاه نمی کند: برنده پیوند خویشان و همسایه بد**

إِثْنَانِ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمَا: قَاطِعُ الرَّحِمِ وَ جَارُ السُّوءِ.

من کلام رسول الله ﷺ

**فعل منفی**

با توجه به متن درس درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را معلوم کنید.



**همسر حمید به همسر سعید گفت از خانه مان خارج شو**

۱. قَالَتْ زَوْجَةُ حَمِيدٍ لَزَوْجَةِ سَعِيدٍ: اُخْرُجِي مِنْ بَيْتِنَا.

**نجار دیواری خوبی بین دو برادر ساخت**

۲. صَنَعَ النَّجَّارُ جِدَارًا خَشِيئًا بَيْنَ الْأَخْوَيْنِ.

**نجار در خانه حمید برای سه روز ماند**

۳. بَقِيَ النَّجَّارُ فِي بَيْتِ حَمِيدٍ لثَلَاثَةِ أَيَّامٍ.

**سعید مزرعه را به دو نصف تقسیم کرد**

۴. سَعِيدٌ قَسَمَ الْمَرْزَعَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ.

**سعید پشیمان نشد و برادرش را نبوسید**

۵. مَا نَدِمَ سَعِيدٌ وَ مَا قَبَّلَ أَحَاهُ.

**حمید بزرگتر از سعید است**

۶. حَمِيدٌ أَكْبَرُ مِنْ سَعِيدٍ.

**فعل امر دستور به انجام کاری می دهد. در پایه نهم دانش آموزان با فعل امر مخاطب آشنا می شوند**

فِعْلُ الْأَمْرِ (۱)

فِعْلُ الْأَمْرِ ← (یا وَدُّ، اِفْعَلْ)، (یا بِنْتُ، اِفْعَلِي)



لِمَ أَنْتَ وَحِيدَةٌ؟ اَلْعَبِي مَعَ زَمِيلَاتِكَ.

لِمَ أَنْتَ وَحِيدٌ؟ اَلْعَبُّ مَعَ زَمَلَائِكَ.

**چرا تو تنهایی؟ با هم کلاسی هایت بازی کن**

**چرا تو تنهایی؟ با هم کلاسی هایت بازی کن**

**در این درس با طرز ساخت فعل امر برای مفرد مذکر و مونث مخاطب آشنا می شویم**

**برای ساخت فعل امر حرف (ت) حذف می شود و حرف (ا) و یا (اِ) به جای آن می گذاریم**

**در ادامه ضمه در آخر فعل مذکر حذف و به جای آن ساکن و در آخر فعل مفرد مونث حرف نون حذف می شود**

اگر حرف دوم ریشه فعل ما فتحه و یا کسره باشد فعل امر آن با (أ) آغاز می شود

مثلاً تَذَهَّبُ یا تَجَلِسُ: حرف دوم ریشه فعل فتحه و کسره است

اما اگر حرف دوم ریشه فعل ما ضمه باشد فعل امر آن با (إ) آغاز می شود

مثلاً تَخْرُجُ: حرف دوم ریشه فعل که حرف (ر) است ضمه دارد

به فرق میان فعل‌های مضارع و امر توجه کنید و ترجمه آنها را یاد بگیرید.

فعل امر	فعل مضارع	شخص
إِفْعَلْ (مفرد مذکر مخاطب)	تَفْعَلُ (مفرد مذکر مخاطب)	
إِفْعَلِي (مفرد مؤنث مخاطب)	تَفْعَلِينَ (مفرد مؤنث مخاطب)	

فرق فعل مضارع و فعل امر را کشف کنید.

فعل مضارع	فعل امر	فعل مضارع	فعل امر
تَسْمَعُ: می شنوی	إِسْمَعْ: بشنو	تَعْلَمِينَ: می دانی	إِعْلَمِي: بدان
تَجْلِسُ: می نشینی	اجْلِسْ: بنشین	تَجْلِبِينَ: می آوری	اجْلِبِي: بیاور
تَكْتُبُ: می نویسی	اُكْتُبْ: بنویس	تَصُدِّقِينَ: راست می گویی	أَصْدُقِي: راست بگو

ترجمه کنید.

إِبْحَثْ عَنِ الْمِفْتَاحِ.	دنبال کلید بگرد	إِزْرَعِي قَمْحاً.	کندم بکار
إِرْفَعْ عِلْمَ إِيْرَانِ.	پرچم ایران را بالا ببر	إِرْجِعِي إِلَى رَبِّكَ	به سوی پروردگارت برگرد
أَطْلُبْ خَيْرَ الْأُمُورِ.	.....	أَشْكُرِي أُمَّكَ.	از مادرت تشکر کم

بهترین کارها را بخواه



## التَّمَارِين

### ١ التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ:

درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را بر اساس حقیقت مشخص کنید.



**کشاورز در مزرعه کار می کند و کارمند در اداره کار می کند**

١. أَلْفَلَاخُ يَعْمَلُ فِي الْمَزْرَعَةِ وَالْمَوْظَفُ يَعْمَلُ فِي الْإِدَارَةِ.

**آرامگاه امام سوم در شهر مشهد در استان خراسان است**

٢. مَرَقَدُ الْإِمَامِ الثَّلَاثِ فِي مَدِينَةِ مَشْهَدٍ فِي مَحَافِظَةِ خُرَّاسَانَ.

**انبار مکانی است که در آن چیزهای مختلفی قرار می دهیم و حفظ می کنیم**

٣. الْمَخْزَنُ مَكَانٌ نَحْفَظُ فِيهِ أَشْيَاءَ مُخْتَلِفَةً.

**بعد از اینکه خودروی به عابر برخورد کرد پلیس راهنمایی و رانندگی می آید**

٤. بَعْدَمَا صَدَمَتْ سَيَّارَةٌ عَابِرًا، يَأْتِي شَرْطِي الْمُرُورِ.

٥. أَلْجِسْرُ مَكَانٌ يَرْقُدُ فِيهِ الْمَرَضِيُّ لِلْعِلَاجِ.

**پل مکانی است که در آن بیماران برای درمان بستری می شوند**

اشیا جمع کلمه شیء  
مرضی جمع کلمه مریض

### ٢ التَّمَرِينُ الثَّانِي:

جمله‌های زیر را با توجه به تصویر، ترجمه کنید.



رَجَاءٌ، الْعَبِي مَعَنَا كُرَّةَ الْمِنْصَدَةِ. فعل امر مفرد

لطفا با ما تنیس روی میز بازی کن. مونث مخاطب

رَجَاءٌ، الْعَبِ مَعَنَا كُرَّةَ الْقَدَمِ.

لطفا با ما فوتبال بازی کن

فعل امر  
مفرد مذکر  
مخاطب

١- بَعْدَمَا: بعد از اینکه

### ۳ التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ:

امر مفرد مذکر  
از تفرغ  
و ترحم

آیات شریفه زیر را ترجمه؛ سپس فعل‌های امر را معلوم کنید.

۱. ﴿رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾<sup>۱</sup> المؤمنون: ۱۰۹

پروردگارا ایمان آوردیم پس ما را بیامرز و به ما رحم کن و تو بهترین رحم‌کنندگانی

۲. ﴿... رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ﴾ الأعراف: ۸۹

امر مفرد مذکر  
از تفتح

پروردگارا بین ما و گروهمان به حق داوری کن و تو بهترین داورانی

۳. ﴿وَاكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ ...﴾ الأعراف: ۱۰۶

برایمان در این دنیا خوبی و در آخرت خوبی بنویس  
امر مفرد مذکر  
از تکتب

۴. ﴿... أَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ آل عمران: ۱۴۷

امر مفرد مذکر  
از تنصر

ما را بر قوم کافران یاری فرما

۵. ﴿قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ﴾ الحجر: ۳۴

کفت پس خارج شو از آن چرا که تو رانده شده‌ای  
امر مفرد مذکر  
از تخرج

۶. ﴿وَادْخُلِي جَنَّتِي﴾ الفجر: ۳۰

وارد بهستم شو  
فعل امر مفرد مؤنث  
از تداخلین

### ۴ التَّمْرِينُ الرَّابِعُ:

هر کلمه را در جای مناسب از جدول بنویسید.  
سختی‌ها خوبان رحم‌کنندگان همسر دو پل دو دانش آموز  
صعب - صالحات - راحمون - زوجه - جسرين - تلميذتان

مفرد مؤنث	مثنی مذکر	مثنی مؤنث	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر
زوجه	جسرين	تلميذتان	راحمون	صالحات	صعب

۱- همزه اغفر و ارحم در ﴿فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا﴾ خوانده نمی‌شود. معمولاً در قرآن روی این همزه نشانه ص می‌گذارند. ← ﴿فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا﴾ (نشانه ص یعنی ق‌را در ﴿فَاغْفِرْ﴾ به غ وصل کن).



## در جملات دارای خطاب از کلماتی استفاده می شود

کلمه یا مشترک است هم مذکر و مؤنث

اینها مخصوص خطاب مذکر

اینها مخصوص خطاب مؤنث

۵ التَّمْرِينُ الْخَامِسُ:

ترجمه کنید؛ سپس فرق جمله خطاب به مذکر را با جمله خطاب به مؤنث توضیح دهید.

ای برادرم گوش کن به سخن معلممان

۱. يَا أَخِي، اِسْمَعْ كَلَامَ مُدْرِسِنَا.

ای خواهرم گوش کن به سخن معلممان

۲. يَا أُخْتِي، اِسْمَعِي كَلَامَ مُدْرِسْتِنَا.

ای دانش آموز پسر پروردگارت را شکر کن

۳. يَا أَيُّهَا التَّلْمِيذُ، اَشْكُرْ رَبَّكَ.

ای دانش آموز دختر پروردگارت را شکر کن

۴. يَا أَيَّتْهَا التَّلْمِيذَةُ، اَشْكُرِي رَبَّكَ.

۶ التَّمْرِينُ السَّادِسُ:

گزینه مناسب را انتخاب کنید.

به کسی که در زمین است رحم کن تا کسی که در آسمان است به تو رحم کند

سجده کن

رحم کن

۱. مَنْ فِي الْأَرْضِ، يَرْحَمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ.  اِرْحَمِ  اَسْجُدْ

انبار

پل

مهندسان پلی برای عبور خودروها ساختند

جمع مذکر

۲. اَلْمُهَنْدِسُونَ صَنَعُوا لِعُبُورِ السَّيَّارَاتِ.  مَخْرَزَانًا  جَسْرًا

گمان کرد

نقسیم کرد

سعید مزرعه را به وسیله آن رود به دو نصف تقسیم کرد

۳. سَعِيدٌ ..... اَلْمَرْزَعَةَ اِلَى نِصْفَيْنِ بِذَلِكَ النَّهْرِ.  حَسِبَ  قَسَمَ

کند

بستری شد

بیمار ناتوان شد پس در بیمارستان بستری شد

۴. عَجَزَ الْمَرِيضُ؛ فَ..... فِي الْمُسْتَشْفَى.  حَقَرَ  رَقَدَ

خشمگین

دوستدار

به دوستت ظلم کردی پس او بر تو خشمگین شد

۵. ظَلَمْتَ صَدِيقَكَ؛ فَهُوَ ..... عَلَيْكَ.  غَضِبَانُ  اَحَبُّ

فعل ماضی

کارگاه

ورزشگاه

همسایمان در کارگاه صندلی سازی کار می کند

۶. جَارُنَا يَعْْمَلُ فِي ..... الْكِرَاسِيِّ.  مَصْنَعٍ  مَلْعَبٍ

فعل مضارع

کراسی جمع مکسر

کرسی

کلمه‌های مترادف و متضاد را کنار هم بنویسید. **زمانی که بدبختی** دانش آموز **زندگی زیبایی دانش آموز هنگامی که ناراحت زشتی ناراحت** حیاة - جمال - تَلْمِیذ - عِنْدَمَا - حَزین - فُبْح - مَحْزُون - لَمَّا - شَقَاوَة - طَالِب - حَوْشَبَخْتِ **مرگ** سَعَادَة - مَمَات

حیاة ≠ مَمَات - شَقَاوَة ≠ سَعَادَة - حَمَال ≠ قَبِیح - تَلْمِیذ = طَالِب - عِنْدَمَا = لَمَّا - حَزین = مَحْزُون

کنج حکمت

گَنْزُ الْحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید؛ سپس فعل‌های ماضی، مضارع و امر را تشخیص دهید.

۱. اِعْلَمُ أَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ  
**بدان که پیروزی با صبر است**  
اعلم فعل امر مفرد مذکر

۲. لَا يَشْكُرُ اللَّهُ مَنْ لَا يَشْكُرُ النَّاسَ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ  
**کسی که از من تشکر نمی کند از خدا تشکر نمی کند**  
لايشكر فعل مضارع منفی

۳. اَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اِكْتِسَابِ الْاِخْوَانِ. الْاِمَامُ عَلِيٌّ  
**ناتوان ترین مردم کسی است که از بدست آوردن دوستان ناتوان است**  
عجز فعل ماضی مفرد مذکر غایب

۴. إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ؛ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ. اَلْاِجْعَلُ اَمْرٌ مَفْرَدٌ مَذْكَرٌ  
**زمانی که بر دشمنت قادر شدی پس گذشت از او را به عنوان شکرانه برای قدرت یافتن بر او قرار بده**

۵. اَلْعِلْمُ وَ الْمَالُ يَسْتُرَانِ كُلَّ عَيْبٍ وَ الْجَهْلُ وَ الْفَقْرُ يَكْشِفَانِ كُلَّ عَيْبٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ  
**علم و مال هر عیبی را می پوشاند و نادانی و فقر هر عیبی را ظاهر می کند**  
يستران و يكشفان مضارع مثنی مذکر غایب

۱- النَّصْرُ: پیروزی.

۲- حرف «ل» در «اِجْعَلُ» در جمله «... اِجْعَلِ الْعَفْوُ...» برای راحتی تلفظ، علامت کسره گرفته است؛ زیرا تلفظ دو حرف ساکن در کنار هم در زبان عربی دشوار است (اِجْعَلِ الْعَفْوُ).

یک متن کوتاه عربی (قرآن، حدیث، داستان و لطیفه ...) پیدا کنید که فعل امر داشته باشد.

.....

.....

.....

.....



## الأربعینات

نزد راننده

عِنْدَ السَّائِقِ

**کرایه مقطوع است. شما چند نفرید؟**

- الأجره مقطوعه. كم نقرأ انتم؟

- أجره كل نقر خمسَة و عِشرون ألف دينار.

**کرایه هر نفر بیست و پنج هزار دینار**

...

- على عيني. بر روس چشمم

**کرایه هر نفر چند است؟**

- كم أجره نقر واحد؟

- ثلاثة. سه نفر

**هوا گرمه لطفا ای راننده حرکت کن**

- الجوّ حارّ. رجاء، عليك بالحركة يا سائق.

- الرَّجَاءُ، شَغْلُ الْمُكْتَفِّ.  
 - بِيخْشِيدِ پَسِ سَوَارِ اَيْنِ اتوبوسِ نَمِي شُويم  
 - عَفْوًا؛ فَلَا تَرْكَبْ هَذِهِ الْحَافِلَةَ.  
 - لا، نَحْنُ نَنْزِلُ. مَعْدِرَةً.  
 - نَافِذُ جَمْعِ مَكْسَرِ نَافِذِهِ  
 - لا بِأَس. اشْكَالِي نَدَارِدُ  
 ...  
 - عَلَيَّ عَيْنِي.  
 - بَرُوزِي چِشْمِ  
 - دَرِ يَكِي از مَوَكِبِ هَا بَعْدِ نَيْمِ سَاعَتِ  
 - فِي أَحَدِ الْمَوَاكِبِ بَعْدَ نَيْفِ سَاعَةٍ.  
 - نَعَمْ، بِالتَّأَكِيدِ.  
 - بَلِ الْبَتَّةِ  
 ...

- الرَّجَاءُ، شَغْلُ الْمُكْتَفِّ.  
 - بِيخْشِيدِ پَسِ سَوَارِ اَيْنِ اتوبوسِ نَمِي شُويم  
 - عَفْوًا؛ فَلَا تَرْكَبْ هَذِهِ الْحَافِلَةَ.  
 - لا، نَحْنُ نَنْزِلُ. مَعْدِرَةً.  
 - نَهْ مَا پَايِنِ مِي رُويم. عَذْرِ خَوَاهِي

- الرَّجَاءُ، عَلَيَّكَ بِالْوُقُوفِ فِي مَكَانٍ لِأَدَاءِ الصَّلَاةِ  
 - لَطْفًا دَرِ مَكَانِي بَرَايِ بَهْ جَا آوَرْدِنِ نَمَازِ وَ اسْتِرَاحَتِ بَايَسْتِ  
 - وَ لِلِاسْتِرَاحَةِ.  
 - اَي رَانْدِه تَوْفَقِ كَجَاسْتِ وَ كِي؟  
 - يَا سَائِقُ، أَيْنَ الْوُقُوفُ وَ مَتَى؟  
 - هَلْ تَوْجَدُ مَرَافِقُ صِحِيَّةً؟  
 - آيَا سَرُوسِ بَهْدَاسْتِي وَ جُودِ دَارِدُ؟



آموزش رایگان زبان عربی در  
 کانال و پیج تلگرام، اینستاگرام  
 @dehghan\_arabic

۱- أداء الصلاة: به جا آوردن نماز  
 ۲- الوُقُوف: ایستادن، تَوْفَق